

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب
کمونیست (مائوئیست) افغانستان است که
عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد
جنگ مقاومت ملی، مردمی و انقلابی (شکل
مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد.
(اساسنامه حزب)

شعله جاوید
ارگان مرکزی
حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

شماره ویژه به مناسبت درگذشت رفیق عزیز عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

شماره مسلسل (۳۴) دوره سوم سنبله ۱۳۹۳ (سپتامبر ۲۰۱۴)



اطلاعیه به مناسبت

درگذشت رفیق عزیز عضو اصلی کمیته مرکزی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با اندوه فراوان، خبر درگذشت رفیق عزیز عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به اطلاع تمامی کادرها، اعضا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، سایر مائوئیست های افغانستان و احزاب و سازمان های مائوئیست سایر کشورهای جهان می رساند.

عناوین مندرج این شماره:

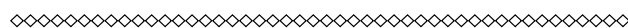
- 1- یادداشت مقدماتی صفحه ۲
- 2- اطلاعیه به مناسبت درگذشت رفیق عزیز عضو اصلی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان صفحه ۲
- 3- پیام تسلیت واحد تشکیلاتی شماره (۱) صفحه ۴
- 4- پیام تسلیت واحد تشکیلاتی شماره (۲) صفحه ۴
- 5- پیام تسلیت واحد تشکیلاتی شماره (۳) صفحه ۷
- 6- پیام تسلیت کمیته عمل سیدال صفحه ۸

یادداشت مقدماتی

متن این شماره از شعله جاوید، پیام های تسلیت واحدهای حزبی، واحدهای هواداران حزب در خارج از کشور، سازمان ها و گروه های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست افغانستان و احزاب و گروه های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست همسنگر سایر کشورها به مناسبت درگذشت رفیق عزیز، عضو اصلی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را در بر می گیرد.

پیام های انفرادی داخلی و خارجی، به استثناء متن نوشته "سرایدار" و قطعه شعری از "صمصام"، دیگر هیچ یک درین شماره از شعله جاوید نشر نمیگردد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از تمامی رفقا و دوستانی که با ارسال پیام های تسلیت با ما غم شریکی کرده اند، اظهار امتنان می نماید و با قدر دانی از روحیه رفیقانه و دوستانه شان به آنها اطمینان می دهد که حزب ما با تمام قوت و توان خواهد رزمید تا جای خالی رفیق عزیز در سنگر مبارزات مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی در افغانستان و همچنان در سطح بین المللی هرچه اصولی تر و زودتر پر گردد.



اطلاعیه

به مناسبت

درگذشت رفیق عزیز عضو اصلی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان



کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با اندوه فراوان، خبر درگذشت رفیق عزیز عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به اطلاع تمامی کادرها، اعضا و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، سایر مائوئیست های افغانستان و احزاب و سازمان های مائوئیست سایر کشورهای جهان می رساند.

رفیق عزیز فعالیت های سیاسی انقلابی را به عنوان یکی از کارگران فعال شعله یی در دوره جوانی اش در دههٔ چهل خورشیدی آغاز کرد. پس از فروپاشی جریان شعلهٔ جاوید، با وجودی که تا سال ۱۳۵۸ در هیچ یک از سازمان های چپ عضویت حاصل نکرد، روحیهٔ شعله یی گری خود را حفظ کرد و یک مبارز ضد ارتجاع و امپریالیزم باقی ماند. رفیق در سال ۱۳۵۸، قبل از آنکه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) تشکیل شود، به یکی از جناح هایی پیوست که بعداً در تشکیل "ساما"

کمونیستی (م ل م) افغانستان شروع گردید، وی با شور و شوق فراوان از آن پروسه حمایت نمود.

"استاد" با شور زاید الوصفی در کنگره وحدت جنبش کمونیستی (م ل م) افغانستان شرکت کرد و به حیث عضو کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید. رفیق در مبارزات توده‌ی تحریم انتخابات رژیم پوشالی در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) قاطعانه سهم گرفت و این مبارزات را در محلس با شجاعت رهبری نموده و در مقابل توطئه‌های ارتجاعی با دلاوری سینه سپر کرد.

رفیق با وجودی که در سال‌های اخیر به علت مریضی خیلی ناتوان شده بود، ولی با تمام توش و توان سعی می‌کرد در فعالیت‌های حزبی سهم بگیرد. وی واقعا از این بابت بطور همیشگی مشوق رفقا بود و همه رفقا با مشاهده روحیه عالی مبارزاتی او انرژی می‌گرفتند. رفیق در پولینوم نهم کمیته مرکزی حزب، در حالیکه به شدت تکلیف داشت، شرکت نمود و بخاطر اجرای این مسئولیت، زحمات سفر طولانی بر خود را هموار ساخت. اما متأسفانه در پولینوم دهم کمیته مرکزی حزب که چند ماه قبل دایر گردید، نتوانست شرکت نماید.

"استاد" در حدود دو ماه قبل برای چندمین بار مورد حمله قلبی قرار گرفت و وضعیت صحتی اش وخیم گردید. وی در طول دو ماه گذشته به شدت علیه مریضی اش مبارزه می‌کرد، اما امروز به عمر ۶۸ سالگی از پا افتاد و جاودانه شد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به مناسبت درگذشت رفیق گرانقدر "عزیز"، مراتب عمیق تسلیت خود را به تمامی اعضا و هواداران حزب، سایر مائوئیست‌های کشور، احزاب و سازمان‌های مائوئیست سایر کشورهای جهان و اعضای خانواده اش تقدیم می‌نماید. جنبش انقلابی پرولتری افغانستان و جنبش پرولتری انقلابی بین‌المللی یاد این کارگر آگاه و انقلابی را زنده نگه خواهد داشت و درس‌ها و تجارب مبارزاتی او را به نسل‌های آینده انتقال خواهد داد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

سهم گرفت. اما او قبل از آن و تقریباً بلافاصله بعد از خیزش‌های خودجوش توده‌ی علی‌ه رژیم کودتای ۷ ثور در منطقه زادگاهش عازم آن منطقه روستایی در ولایت بامیان گردید، تا یکجا با مردمش در نبرد علیه کودتاچیان رویزبونیست و مزدور سوسیال امپریالیست سهم بگیرد. او تا اواخر سال ۱۳۶۱ در مناطق روستایی باقی ماند و فقط آنگاه مناطق متذکره را ترک گفت که از یکجانب تسلط نیروهای ارتجاعی وابسته به جمهوری اسلامی ایران بر آن مناطق استحکام یافت و از جانب دیگر او و رفقای دیگر مثل او توسط تسلیم طلبان درون "ساما" از پشت خنجر خوردند.

رفیق در عالم پناهندگی فعال باقی ماند و به عنوان یکی از کادرهای "بخش غرجهستان ساما" به مبارزاتش بصورت همه جانبه، به ویژه علیه تسلیم طلبی در آن سازمان در پهلوی سایر رفقایش، ادامه داد. رفیق در تابستان سال ۱۳۷۰، پس از چند سال تماس و مراوده با "هسته انقلابی کمونیست‌های افغانستان" و "سازمان کمونیست‌های انقلابی افغانستان" به "حزب کمونیست افغانستان" پیوست و به عنوان یکی از کادرهای آن به فعالیت‌های مبارزاتی اش ادامه داد. رفیق پیوستنش به "حزب کمونیست افغانستان" را طی یک اعلامیه در سطح کل جنبش چپ کشور ابلاغ نمود. وی در عالم پناهندگی در عین حالی که به فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی حزبی اش ادامه می‌داد، چندین سال مسئولیت‌های فرهنگی و آموزشی توده‌ی را نیز پیش برد و با وجودی که در اصل یک عنصر کارگری بود، مسئولیت‌هایش درین عرصه از فعالیت توده‌ی را بخوبی پیش برد.

رفیق عزیز در ورزش رزمی تکواندو مهارت داشت و شاگردانی تربیه نمود. به همین جهت وی را همه رفقا و شاگردانش "استاد" خطاب می‌کردند.

"استاد" علیه خط راست تسلیم طلبانه در درون حزب کمونیست افغانستان، مبارزه نمود و به طرفداری از خط مرانامه و اساسنامه حزب قاطعانه موضعگیری نمود. به همین جهت موقعی که "پروسه وحدت جنبش

کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

سوم اسد ۱۳۹۳ (۲۵ جولای ۲۰۱۴)

نبود رفیق عزیز را با پیگیری راه سرخ او التیام بخشیم

رفیق عزیز، مبارز پولادین و انقلابی استوار، دیگر در میان ما نیست. او انقلابی راستین و نمونه ای از ایستادگی و مقاومت بود و در خم و پیچ مسیر مبارزاتی همچنان استوار ماند. عزم و اراده مبارزاتی رفیق با وجود مریضی مزمن هیچگاهی فروکش نکرد، بلکه بیشتر از پیش در سنگر سرخ مبارزاتی قوی تر گردید و او را آبدیده تر ساخت. رفیق عزیز در طی مدتی که با مریضی دست و پنجه نرم می نمود، همچنان به کار و پیکار انقلابی اش ادامه داد و هیچگاه تن به تسلیمی نداد.

او در میان سایر رفقا و همزمانش یک الگوی مقاومت بود و به شخصیت مبارزاتی آهنین شهرت داشت. استواری مبارزاتی او نمونه اعلائی از باورمندی به مبارزات ملی، مردمی و انقلابی بود.

نبود این انقلابی آگاه ضایعه جبران ناپذیر برای نیروهای انقلابی و حزب کمونیست (مائویست) افغانستان است. ضمن عرض تسلیت به کمیته مرکزی و اعضاء و هواداران حزب و سایر نیروهای انقلابی یکبار دیگر تعهد خود را به راه سرخ وی تجدید می کنیم.

یاد و خاطره رفیق عزیز و سایر جانبختگان جنبش مائویستی گرامی باد!

واحد تشکیلاتی منطقوی شماره (۱)

حزب کمونیست (مائویست) افغانستان

۲۰ اسد ۱۳۹۳

کمیته منطقوی شماره (۲)، پس از دریافت اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائویست) افغانستان بمناسبت درگذشت رفیق گرامی مان، زنده یاد استاد "عزیز"، به تاریخ ۴ اسد ۱۳۹۳ (۲۶ جولای ۲۰۱۴) بصورت اضطراری تشکیل جلسه داد.

این جلسه با سکوت ۳ دقیقه ای بخاطر گرامی داشت یاد و خاطره استاد "عزیز" و سایر رفقای جانبخته و زنده یاد حزب کمونیست (مائویست) افغانستان، جانبختگان شعله ئی و مائویستهای جانبخته سایر نقاط جهان رسماً آغاز یافت و سپس اطلاعیه کمیته مرکزی حزب درین جلسه قرائت گردید و تصمیم برین شد تا تمامی کمیته های تشکیلاتی منطقه (۲) رسماً جلسات اضطراری دایر و هر کمیته به صورت جداگانه پیام های تسلیت شان را از چینل مربوطه به حزب ارائه بدارند.

رفقای کمیته منطقوی شماره (۲) یک بار دیگر تعهد مبارزاتی شانرا تجدید نمودند و عهد کردند که با تکیه بر ایدیولوژی م. ل. م. در مسیر انقلاب حرکت نمایند. رفقا روی ضرورت تلاش برای پر کردن جای خالی «استاد عزیز»، در مسیر تحقق م. ل. م و حرکت هرچه مصمم تر در مسیر انقلاب تاکید نمودند.

در پایان جلسه، فیصله گردید که پیام تسلیت عنوانی صدر، اعضای دفتر سیاسی، اعضای کمیته مرکزی، تمامی اعضا و هواداران حزب، سابَر انقلابیون افغانستان و کمونیست ها و انقلابیون سایر کشورهای جهان تحریر و ارسال گردد.

راه سرخ رفیق انقلابی مان «استاد عزیز» را ادامه می دهیم!

با تاسف فراوان اطلاع یافتیم که رفیق گرامی مان "استاد عزیز" جاودانه شد.

مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم، استوارانه و ثابت قدم ایستاد.

بدینوسیله به نمایندگی از تمامی اعضا، هواداران و روابط توده یی حزب در منطقه، درگذشت رفیق گرامی مان «استاد عزیز» عضو اصلی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به صدر حزب، اعضای دفتر سیاسی، اعضای کمیته مرکزی، اعضای حزب و تمامی هواداران و روابط توده یی تحت رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، تشکلات کمونیستی افغانستان، احزاب کمونیست سایر کشور ها و انقلابیون جهان، صمیمانه تسلیت عرض می نماییم. ما به ویژه مراتب تسلیت خود را به اعضای خانواده استاد «عزیز» تقدیم نموده و غم شریکی عمیق خود را با آنها اعلام می داریم.

خبر درگذشت «استاد عزیز»، ما را در اندوه فراوانی غرق نمود. کسانی که این رفیق گرانقدر را از نزدیک میشناختند، به یقین آگاهند که وی یکی از استوارترین رهروان راه رهایی زحمتکشان بود و تا آخرین لحظه زندگی، یک مائوئیست پایدار و متعهد باقی ماند. چنین ویژگی در وجود استاد سرمشقی برای سایر مبارزان راه رهایی زحمتکشان است. وی که از همان آوان نوجوانی با اندیشه های مترقی آشنایی به هم رسانیده بود، با ظهور اکونومیسم و ریفورمیسم در جنبش چپ افغانستان، بر ضد این دو پدیده انحرافی ایستادگی نموده و در سنگر

درگذشت استاد «عزیز» ما را عمیقاً متاثر کرد. چهره خندان او، صمیمیتش، استواری و روشن بینی اش فراموش ناشدنی است. استاد نسلی از کمونیست ها را نمایندگی مینمود که به هیچ چیزی جز بیرون راندن نیروهای اشغالگر از کشور و سرنگونی رژیم پوشالی و برپایی جامعه کمونیستی رضایت نمیدهند. تاثر از مرگ رفیق تنها عزم کمونیست ها و یارانش را در ادامه راهش برای برپایی جهانی که آرزویش را داشت، محکمتر میکند.

روزی که انسانیت بجای بربریت استثمار و ستم حکم براند، روزی که کسی مجبور به فروش جان و تن خود برای امرار معاش نباشد، روزی که انسانیت جشن پیروزی خود را برگزار کند، یاد و خاطره رفیق گرامی مان «استاد عزیز» در جامعه و جهان نوین ماندگار خواهد بود.

رفقا، سخن گفتن از منش و گویش انسانی والا چون رفیق گرامی مان «استاد عزیز» را نمی توان پایان یافته انگاشت، وی در مبارزه برای چیره شدن بر مشکلات ایدیولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی واقعی که حزب و جنبش بین المللی با آن روبرو بود، رزمنده ای خستگی ناپذیر بود. او با استواری از دستاوردهای بزرگ

پرولتاریای بین المللی در انقلاب کردن دفاع میکرد و با
 عزمی راسخ، قوت قلبی بود برای نسل های آینده. به
 کمونیست ها و توده ها کمک میکرد که در انقلاب های
 آینده بهتر عمل کنند و جوامع رهائی بخش دموکراتیک
 نوین و سوسیالیستی برقرار نمایند. اندیشه و گفتار وی
 در رگ و ریشه ما ماندگار است. پس گرامی بداریم یاد
 آن بزرگ مرد انقلابی و سر آمد روزگار را.

در آخرین دیداری که با وی داشتیم چنین زمزمه میکرد:

« آنهایی که در خانه می گریند

و اشک های شان را

همچون زنجیری گران بر گردن آویخته

اند

با ما نیایند.

آنها که در پوست دل خود زندگی می

کنند

ما را دنبال نکنند!

در اینجا:

میلیون ها قلب سرخ

در آتشی

که از خورشید فرو می افتد

می سوزند!

تو نیز قلب از سینه برون آر

به درون آتشی

که از خورشید می افتد

بیفکن

قلبت را کنار قلبمان بیفکن!

شبیخون است

شبیخون به خورشید!

خورشید را فتح خواهیم کرد

فتح خورشید نزدیک است!

چنگال نردبان های مان را

به ستارگان می آویزیم

راست به سوی خورشید بالا می رویم!

جانباختگان

در مبارزه جان باختند

آنان در خورشید مدفونند

وقت ماتم گرفتن نداریم!»

غم و اندوه ناشی از درگذشت رفیق گرامی مان

«استاد عزیز» را به نیروی مبارزاتی تبدیل نماییم

و یاد او را به مثابه مائوئیست انقلابی زنده و ماندگار

نگه داریم!

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

کمیته منطقی شماره (۲)

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۴ اسد ۱۳۹۳ (۲۶ جولای ۲۰۱۴)

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق گرانقدر "عزیز"

خبر درگذشت رفیق عزیز را از طریق اطلاعیه کمیته مرکزی حزب در یافت نمودیم. درگذشت این رفیق برای همه رفقا، بخصوص رفقای که از دیر زمانی با ایشان آشنایی داشتند، خیلی حزن انگیز و قابل اندوه بود.

خبر درگذشت رفیق "عزیز" طی یک جلسه رسمی به اطلاع رفقای کمیته منطقه یی حزبی شماره ۳ رسانده شد. همه رفقای حاضر در جلسه به مناسبت درگذشت این رفیق به پا خواستند و برای سه دقیقه سکونت اختیار کردند. رفقا وقتی اطلاعیه را می خواندند همگی اشک می ریختند. بعضی رفقا از وی خاطره های فراوان دارند و او را مرد پایداری و استقامت می شناختند. او در دوران مریضی اش هرگز شکایت نمی کرد و همیشه می گفت که مریضی نمی تواند برایش مانعی در پیشبرد مبارزه باشد. او با روحیه سرشار انقلابی و با دست زدن به مسافرت های طولانی مسئولیت های حزبی را اجرا می کرد. درگذشت وی را برای رهبری حزب، اعضای کمیته مرکزی، اعضا و هواداران حزب و اعضای فامیلش تسلیت می گوئیم.

درگذشت رفیق عزیز که الگوی پایداری و استقامت در خط اصولی م ل م بود، یک ضایعه بزرگ برای تمامی جنبش انقلابی کشور است. روحیه و انرژی مبارزاتی وی برای تمامی رفقا که با وی آشنایی داشتند، انرژی و روحیه مبارزاتی می داد. درگذشت او واقعاً یک ضایعه بزرگ برای حزب ما و برای جنبش انقلابی کشور نیز می باشد.

رفیق "عزیز" از چندین سال بدینسو با مریضی دست و پنجه نرم می کرد و از لحاظ فیزیکی سخت تحت فشار قرار داشت، اما هیچگاه در امر پیشبرد مبارزه انقلابی کوتاهی نکرد. او همیشه در تلاش بود تا به عنوان یک کادر صحتمند حزبی نقش ایفا نماید. رفیق با استواری و پایداری در خط اصولی م ل م با مسافرتهایش در نقاط مختلف کشور نشان داد که مریضی نمیتواند مانع پیشبرد مبارزه اش باشد. او با وجود تمامی مشکلات مریضی همیشه تنها مسافرت میکرد و هرگز نمیخواست کسی دیگری در مسافرت او را همراهی نماید. او برای رفقای جوان انرژی مبارزاتی میداد و یک الگوی استقامت و پایداری بود. او مرد عمل بود و در بدترین شرایط از رفقای احوال می گرفت و برایشان روحیه می داد. او تا آخرین لحظه عمرش در خط اصولی م ل م باقی ماند و در این راستا مبارزه کرد.

یاد و خاطره این رفیق برای ما همیشه زنده باقی خواهد ماند و پایداری، مقاومت و استقامتش برای ما انرژی مبارزاتی خواهد داد.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

کمیته منطقه یی شماره ۳

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۱۳۹۳/۰۵/۱۰

یاد ها و خاطره های رفیق «عزیز» همیشه با ماست

استاد «عزیز» ۶۸ سال زیست، ولی کاش می توانست بیشتر زندگی کند و بیشتر به ما بیاموزاند. اما چه می توان کرد وقتی بدن فرسوده از سختی های روزگار، مشکلات مبارزه و بیماری طولانی، روحیه سرکش را یاری نرساند. مرگ حق است، اما مرگ رزمنده ای چون «استاد عزیز»، برای رفقا و همرزمانش، مثل کوه گران، سنگین است. یادها و کارنامه های رفیقی مثل او و امثال او همیشه در خاطره های ما زنده و پایدار خواهد ماند.

یادش گرامی باد که نگرشش به وقایع دقیق، نظرش به مسائل صائب و بیانش در بیان حقایق بی پروا و صریح بود.

کمیته عمل سیدال - واحد منطوقی شماره (۲)

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۱۳ اسد ۱۳۹۳

د تسلیت پیغام

د گران ملگری "عزیز"

د لاری ملگرو، کورنی او دوستانو ته!

په ډیر ژور خفگان او خواشینی سره با خبر شولو چی د گوند د مرکزی کمیته غری ملگری "عزیز" له دی نری څخه سترگی پتی کړی.

ملگری "عزیز" یو له ډیر سرشناس او مخکینی سیاسی، اجتماعی او فرهنگی فعالینو څخه وه چی د زحمتکشانو د حقوقو د لاسته راوړلو او د هغو د هوسا ژوند د تامین په لاره کی د خپلو د افغانستان کمونیست (مائوئیست) گوند ملگرو سره اوږه په اوږه تللی او له خپل هڅی او آند څخه نه دی سپمولی. ملگری "عزیز" د افغانستان د نوی دموکراتیک غورځنگ د پخوانی کسانو څخه وو.

مونږ د افغانستان کمونیست (مائوئیست) گوند د ملگرو او د دوستانو او متعلقینو سره په غم کی ځانونه شریکان بولو، او د هغه کورنی، ملگری او د نری نورو مائوئیستانو ته تسلیت وړاندی کوو.

د ۲۸ - ام زمري نوعی

دویم نمبر سیمه ایز تشکیلاتی واحد

د افغانستان کمونیست (مائوئیست) گوند

۱۳۹۳ / ۵ / ۱۱

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق گرامی مان "استاد عزیز"

بگیریم و رنج های راه انقلابی را مشترکاً تحمل نماییم. اما با تأسف فراوان که چنین نشد و ناگهان اطلاع یافتیم که این رفیق بزرگوار مان را از دست داده ایم. شنیدن این خبر تکان دهنده و ناگوار سخت متأثر و اندوهگین مان کرده است.

اینک ما جمعی از رفقا و رهروان راه انقلاب به نوبه خویش مراتب تأثر، تأسف، تسلیت و همدردی خویش را به مناسبت درگذشت رفیق "استاد عزیز"، به دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و تمامی اعضای حزب، سائر رفقای کمونیست و مائوئیست جهان، به ویژه به خانواده و شاگردان استاد زنده یاد تقدیم می کنیم و متعهد می شویم که در راه پیشبرد مبارزات انقلابی یعنی ادامه راه این رفیق بزرگ و انقلابی خود تا آخرین لحظات زندگی مان استوار و ثابت قدم باشیم و در مسیر جهان فارغ از هرگونه استثمار و ستم به پیش حرکت کنیم.

هسته حزبی ۲۴ حوت

واحد منطقوی شماره ۲

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۹ اسد ۱۳۹۳

چندی قبل وقتی رفیق "کارگر" به منطقه مورد سکونت رفیق "استاد عزیز" مسافرت کرد، با آن رفیق محترم افتخار آشنایی حاصل نمود. رفیق "کارگر" برای آشنایی و هم نشینی با رفیق "استاد عزیز" فقط یک ساعت وقت داشت و آن هم در محفل عروسی پسرش. رفیق "استاد عزیز" با وجودی که سخت مریض بود و از مریضی اش سخت در رنج، دریغ نکرد که ساعتی با رفیق "کارگر" بنشیند و صحبت کند. این آمادگی رفیق "استاد عزیز" عشق و علاقه سوزانش را به امر انقلاب به نمایش میگذاشت. رفیق "کارگر" میگوید که «در همین یک ساعت گفتگو و صحبت با رفیق "استاد عزیز" دریافتم که او مردی هست با متانت و بزرگی فوق العاده و کارکشته و سخت انقلابی و از دیدنش سخت روحیه گرفتم.»

وقتی گزارش رفیق "کارگر" به ما رسید، از بابت مریضی استاد به سختی متأثر شدیم ولی امیدوار بودیم که روزی سلامتی خویش را باز یابد تا در پیکار و نبرد انقلابی مشترک شانه به شانه هم بایستیم و از تجربیات هنگفتش در راه انقلاب و نبرد انقلابی سود ببریم، تا باشد راهی را که توسط رفقای پیشگام ما و در پیشاپیش آنها رفیق جانباخته اکرم یاری پایه گذاری شده و توسط رفقای پایدار و وفاداری چون رفیق "استاد عزیز" تا این دم طی شده است، با هم مشترکاً ادامه دهیم، در سنگرهای مشترک دوش به دوش هم برای پیروزی انقلاب نبرد کنیم، پیروزی های مان را مشترکاً جشن

پاینده باد یادها و خاطرات "استاد عزیز"!

دور انداختن مناسبات کهنه اجتماعی مبارزه کرد و بپا خاست، تمام ارزش های دنیای استثمار و ستم را نفی نمود و در برابر نظام موجود نه گفت. او همیشه در این راه مبارزه کرد و از خود مقاومت، ثبات و پایداری نشان داد.

او فقط در لفظ انقلابی نبود، او مرد عمل و مرد میدان بود و میگفت: در راه پیروزی خلقها باید گام برداشت. «استاد عزیز» همیشه برای معاصران خویش و نسل های بعدی درس از خود گذشتگی، ایثار و فداکاری میداد. «استاد عزیز» از میان ما رفت، اما به دریا پیوست و در آن جاری شد تا پیامش جاودانه در گوش ها و سینه ها بماند.

رفیق عزیز! تو در زندگی خود چنان در دلهای دیگران اثر کردی که تا عمر دارند فراموشت نخواهند کرد! هر جا که خشم است و عصیان و ستیز، تو خواهی بود! هر جا سخن از شجاعت انقلابی پیش آید، تو در نظر خواهی آمد! تو ندای راستین انقلاب برای همه زحمتکشان خواهی بود!

«استاد عزیز» یکی از سابقه داران پرشور حزب بود. او به سادگی زندگی میکرد، با مردم صمیمی بود و با انقلابیون برخورد رفیقانه داشت. او بارها روی این مسئله تاکید میکرد که مبارزه نیاز زمان است و لذا باید آن را جدی گرفت. از دیدگاه او ابتکار در مبارزه لازمه کار هر انقلابی است، پس باید کار کرد که حقیقت مبارزه زنده شود. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

«سرایدار»

۱۲ اسد ۱۳۹۳

تقدیم به همه رفقای انقلابی و بازماندگانش که بیاموزند چون او مبارزه، تلاش و فداکار زیستن را.

«استاد عزیز» در یک خانواده دهقانی در یکی از مناطق روستائی ولایت بامیان به دنیا آمد. نخستین آموزگار او، رنج و اندوه خود، خانواده اش و همسایگانش بود. «استاد» در سالهای جوانی به اندیشه طبقة کارگر پیوسته بود. تاریخ سرزمین ما پر است از قهرمانی ها، دلاوری ها و جانفشانی او و امثال او، که هرگز در برابر قدرت های اشغالگر و ستمگر استعماری و امپریالیستی سرخم نکردند. آن ها در برابر بیداد تاراجگران، غارتگران و خودکامگان جهانخوار جانانه ایستادگی کرده اند و درفش پیکار دلاورانه و رهائی بخش را تا امروز همچنان بر افراشته نگه داشته اند.

«استاد» مردم را به تکاپو، پیکار و مبارزه فرا میخواند. او میگفت انسانهای روی زمین همه با هم یکی اند، همه زحمتکشان یک سرود را با آواز بلند میخوانند: سرود آزادی و رهائی، سرود انترناسیونال را. او یاران را صدا میزد که زمان نبرد فرا رسیده است، باید پا را در رکاب گذاشت، به سوی میدان جنگ به پرواز آمد، جنگ رهائی بخش و آزاد کننده، نبرد برای آزادی نه برای غارت و تجاوز. او همیشه میگفت که درین نبرد باید بیداری را از دست نداد. او همیشه در سنگر نبرد ایستاد و از حق و عدالت و آزادی با قاطعیت، شهامت و شور وطنپرستانه دفاع کرد. برای او نیز میسر بود که با سازش و تسلیم طلبی و انحراف به مال و جاه و مقامی برسد، اما او چنین نکرد، در برابر بیداد و استبداد جانانه ایستاد. او در مکتب رنج آموخته بود که باید برای به

بیرق انقلاب

رفتن ات یک سوال مشکل بود، این سوال و جواب با ما ماند

مستی ی عشق با تو رفت اما، طعم تلخ شراب با ما ماند

این رفیقانه نیست رفیق، راه دور و دراز در پیش است

انتخاب تو جاودانه شدن، باقی ی انتخاب با ما ماند

در تنور نبرد اندیشه، مثل فولاد آب دیده شدی

این تنور نبرد پا بر جاست، جرئت ات ای شهاب با ما ماند

تو نه مانند یک ستاره ی گنگ، بلکه مانند اشعه ی خورشید

می درخشی و می درخشی باز، یعنی که آفتاب با ما ماند

حرف و تحلیل صادقانه ی تو، آبیاری باور عشق است

یعنی از عشق و از غرور سرخ، شرح صدها کتاب با ما ماند

کوله بار هزار اقیانوس، در غرور تو پیچ و خم دارد

لذت استقامت دریا، با هزار التهاب با ما ماند

قامت استوار عاشقانه ی تو، مکتب ضد ظلم را پر داد

خاک میهن هنوز در اشغال، وضع و حال خراب با ما ماند

با صد افسوس، با هزار افسوس، رفتی اما بدان رفیق «عزیز»

بار سنگین این مسیر دراز، بیرق انقلاب با ما ماند

صمصام

۳ آگست ۲۰۱۴ - (۱۲ اسد ۱۳۹۳)

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت استاد

پرنشدهی این رفیق از دست رفته و کار آزموده جنبش کمونیستی کشور را پر و این امر جبران ناپذیر را تا جایی جبران کرد و خود را برای به انجام رساندن امر انقلاب جهت رهایی مردمان کشور از زیر سلطه جهانخواران امپریالیستی و مرتجعان و وطن فروشان دست نشانده آن ها آماده ساخت و برای تحقق آرمان های بزرگ کمونیستی پیگیرانه و عاشقانه تلاش ورزید.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

« هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اروپا »

۲۸ جولای ۲۰۱۴

شنیدن خبر ناگوار درگذشت استاد گرامی رفیق عزیز، ما را عمیقاً اندوهگین و غمزه کرده است. بدین مناسبت پیام تسلیتی خود را برای کادرها، اعضاء و هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و سایر رفقای بین المللی و به ویژه برای تمام اعضای محترم خانواده شان می رسانیم و با شما ابراز همدردی و غم شریکی می کنیم؛ با مشت های گره کرده لحظه ای به یادش آرام می گیریم و یادش را یکجا باهم گرامی می داریم. روانش شاد و راه سرخش همواره پررهرو و جاویدان باد!

آری از دست دادن همچو کادر متعهد، برجسته و خسته گی ناپذیر خیلی دشوار و دردناک است و مرگی است سنگین تر از کوه سربه فلک کشیده کشور، ولی با آنهم امیدواریم با تربیت نسل جدید و انقلابی آینده و با کمک و وحدت سایر نیروهای ملی، مترقی و انقلابی بتوان جای

اظهار همدردی و تسلیت به مناسبت درگذشت استاد "عزیز"

ندارم باک هر جا مرگ می آید به جنگ من
و یا خاموش می سازد این آوای چنگ من
به شرط آنکه گوشی بشنود فریاد خشمم را
و دستی پیش گردد، باز بردارد تفنگ من

پرشور، فرزند سرسپرده و فداکار مردم افغانستان و مدافع پیگیر منافع میهن و زحمتکشان کشور، زنده یاد استاد "عزیز"، بتاريخ ۳ اسد ۱۳۹۳ خورشیدی، از اثر بیماری لاعلاج به جاودانگی پیوست و همه رفقا و دوستانش را در سوگ و ماتم نشانند.

چه دشوار است به سوگ عزیز مهربانی نشستن و با اشک دیده بخار غم از آئینه دل زدودن، و چاره ای جز تحمل این مصیبت نداشتن، و سپس با عزمی راسخ و استوار به پیش گام نهادن!

با اندوه جانکاه و روانسوز اطلاع حاصل نمودیم که رفیق

ما درگذشت رفیق "عزیز" را یک ضایعه بزرگ برای جنبش انقلابی کشور و مردمان مبارز کشور دانسته و از نبودش احساس غم، اندوه و کمبود می نماییم.

بدین وسیله از دست دادن رفیق "عزیز" را به همه رفقا و دوستانش و کلیه مدافعان راه استقلال، آزادی، دموکراسی، پیشرفت و عدالت اجتماعی و اعضای فامیل داغدیده اش تسلیت گفته و خود را در غم و اندوه از دست دادن این استاد گرامی شریک میدانیم.

یادش گرامی و راهش پر رهرو!

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

۱۳ اسد ۱۳۹۳

استاد "عزیز" رزمنده استوار، انقلابی فرهیخته و مبارز پایداری راه رهایی مردم رنجدیده افغانستان از چنگال های خونین استبداد و بیدادگری داخلی و غارتگران متجاوز و اشغالگر خارجی بود. او هیچگاهی سر تسلیم به آستان زورگویان خم نکرد.

استاد "عزیز"، در نو جوانی راه مبارزه انقلابی را برگزید و پیوند خود را با جنبش انقلابی کشور محکم کرد. او مثل هر مبارز انقلابی دیگر بری از خطا و مصئون از اشتباه نبود، اما در نهایت اصولیت، راستی و درستی را بر می گزید. او پاکیزه و بی آرایش زیست و از تهدید و زورگویی های زورمندان تازه بدوران رسیده، هرگز نهراسید و راه مقابله و مبارزه با معامله گری ها، انحراف ها، کژروی ها، سازشکاری ها و بی آزرمی ها را رها ننمود و با مظاهر ضد انقلابی بی باکانه جنگید.

پیام همدردی به مناسبت درگذشت "استاد عزیز"

افغانستان، در راه مبارزه انقلابی برای کشور و مردمان کشور، سرمشق خوبی به شمار میرود.

استقامت و پایداری را باید ازین مرد آزادیخواه آموخت که با تن مریضش در هر جائی که درد و رنج بود، حضور داشت.

ما وعده می دهیم تا تحقق آرمان های بر حق او و سایر زحمتکشان افغانستان یک ثانیه و یک دقیقه و تا نابودی کامل متجاوزین و ستمگران در کشور که مسبب تمامی بدبختی ها و درد و رنج و بیچارگی زحمتکشان کشور شده اند، از پای ننشینیم.

بدینوسیله مراتب عمیق تسلیت خود را به رفقای همزمش، خانواده، دوستان، شاگردان و کارگران زحمتکش افغانستان و سایر کارگران جهان ابراز میداریم.

"هسته کارگری مبارز افغانستان"

۱۰ اسد ۱۳۹۳

با کدام واژه بسرائیم نغمه درگذشت غم انگیز "استاد عزیز" را که تا ابد چشم های مان بگرید و قلب های مان بشکافد. "هسته کارگری مبارز افغانستان" از جایگاه جنبش مبارزاتی کارگران و زحمتکشان افغانستان، از فقدان این کارگر آگاه انقلابی عمیقاً اندوهگین و غم زده شده است.

استاد عزیز کسی بود که رنج و اندوه دیگران را به دوش می کشید و در راه آرمان های برحق کارگران تا سرحد رهایی پایداری و استوارانه مبارزه می نمود. او انسانی بود که در مکتب رنج و فقر و بدبختی تحصیل کرده بود، برای رهایی کارگران و زحمتکشان مبارزه میکرد و سطح اتکائی بود برای ما و کارگران افغانستان.

با رفتن استاد عزیز از میان ما، به یقین این سطح اتکاء ضربت خورده و ضایعه بزرگی بر جنبش انقلابی کشور وارد شده است. پرکردن جای این عزیز اگر ناممکن نباشد کاری است بسیار مشکل.

زندگی کارگری او برای کارگران و زحمتکشان

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت "استاد عزیز"



هرگز از مرگ نهراسیده ام

اگرچه دستانش از ابتدال شکننده تر بود

هراس من باری همه از مردن در سرزمینی است

که مزد گورکن

از بهای آزادی آدمی افزون باشد

جستن، یافتن و آنگاه به اختیار برگزیدن

و از خویشتن خویش

با رویی پی افکندن

اگر مرگ را ازین همه ارزشی بیشتر باشد

حاشا حاشا که هرگز از مرگ هراسیده باشم.

شخصیت انقلابی را گرمی میدارد، خود را در غم و اندوه ناشی از فقدان این مبارز انقلابی شریک دانسته و مراتب تسلیت عمیق خود را به تمامی هم زمان شان و همچنان خانواده، دوستان و شاگردان شان تقدیم می نماید.

بیایید غم و اندوه ناشی از درگذشت چنین شخصیت انقلابی را به نیروی مبارزاتی در راه تحقق اهداف انقلاب بدل نماییم!

یادش گرمی باد!

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان "

۹ اسد ۱۳۹۳ (۳۱ جولای ۲۰۱۴)

با اندوه فراوان، خبر درگذشت استاد "عزیز"، یکی از سابقه داران جنبش چپ کشور و یکی از انقلابیون پایدار افغانستان را اطلاع یافتیم. فقدان هر کادر انقلابی کشور، ضایعه جبران ناپذیری در راه انقلاب محسوب می گردد.

مطالعه کارنامه ها و تاریخچه مبارزاتی این شخصیت انقلابی، استواری اش را در راه اهداف والای انقلاب نشان میدهد. بررسی و مطالعه کارنامه های مبارزاتی استاد "عزیز" عزم ما را بیش از پیش در راه اهداف انقلاب دموکراتیک نوین بر محور مقاومت ملی، مردمی و انقلابی راسخ تر و محکم تر نموده است.

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان " یاد و خاطره این

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق عزیز

با کمال تأسف خبر درگذشت رفیق مبارز و انقلابی (رفیق عزیز) که توسط اطلاعیه حزب کمونیست مائوئیست افغانستان به تاریخ ۲۵/۷/۲۰۱۴ در سایت شعله جاوید به نشر رسیده است برای اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغان های مقیم اتریش (حریت) تکان دهنده است. گرچه از فعالیت های گذشته این رفیق فعال و مبارز، معلومات وسیع در دست نداریم، ولی آنچه که برای ما ارزشمند و قابل پذیرش است همانا وصف بی شائبه و صادقانه کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از فعالیت های مبارزاتی ایشان است.

گرچه درگذشت همچو رفقاء برای ما و حزب کمونیست (مائوئیست) واقعا دردناک است، ولی یقینا باعث سکتگی در فعالیت انقلابی ما نمی شود و می توان با وحدت مجدد نیروهای ملی انقلابی این کمبود را تا حدی جبران کرد.

رفیق عزیز عمری را در راه گسترش مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم سپری کرد و از جمله رهگشایان تحرک بخش جنبش انقلابی مائوئیستی کشور بود؛ وی

با وجود دام های گسترده ارتجاع و امپریالیسم هرگز از فعالیت انقلابی باز نماند. این رفیق، متعهد به ایدئولوژی نجاتبخش طبقه تحت ستم بیش از چهل سال عمرش را در راه رسیدن به آرمان های والای خلق و جامعه فارغ از استثمار و ستم طبقاتی سپری کرد و پیگیرانه علیه مرتجعین، استثمارگران و امپریالیسم رزمید، ولی متأسفانه حیات اجازه بیشتری برای حضورش در صفوف انقلابیون نداد. در اخیر باید گفت که شفافیت کارکردهای شان در بین رفقاء برای همیشه محسوس می باشد و رهنمای سایر انقلابیون جوان خواهد بود.

اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغان های مقیم اتریش (حریت) به سهم خود عمیق ترین تسلیت اش را به رفقای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و اعضای خانواده شان ابراز می دارد و با شما همدرد و غم شریک می باشد. راهش رهنمون آینده باد!

اتحادیه پناهندگان ملی و دموکراتیک افغانهای مقیم اتریش (حریت)

۲۵/۷/۲۰۱۴

پیام اتحاد انقلابی مائوئیستی سریلانکا

به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به مناسبت درگذشت رفیق عزیز

هستند. رفیق عزیز رزمنده ای در این مبارزه عظیم بود. او رفیقی بود که شعار "خدمت به خلق" را در زندگی انقلابی اش انجام داد. او از طریق نبرد علیه گرایشات راست و ضد انقلابیون و همچنان تلاش عظیم برای ساختمان جنبش انقلابی در افغانستان، به جنبش کمونیستی در افغانستان و جهان خدمت نمود.

رفقای عزیز!

ما، اتحاد انقلابی مائوئیستی، یکی از گروه های مائوئیست سریلانکا، خود را در غم عمیق درگذشت رفیق عزیز با شما غم شریک می دانیم. کمونیست های انقلابی در سراسر جهان برای رهایی بلادرنگ تمام جهان متعهد

همدردی و غم شریکی خود را به کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان و همه کادرها و هواداران آن و همچنان به اعضای خانواده رفیق عزیز تقدیم می نمایم.

درودهای آتشین به رفیق عزیز!
زنده باد انترناسیونالیزم پرولتری!
زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم!

رفیق پاراکراما ویراسوریا

سر بلانکا

۲۰۱۴/۹/۹

انقلابیون پرولتری بین المللی از طریق پیشبرد مسئولیت های مبارزه انقلابی در سراسر جهان از رفیق عزیز تجلیل می نمایند و زود یا دیر به رویای رفیق عزیز یعنی انقلاب سوسیالیستی جهانی دست خواهند یافت.

تبصره ذیل بعنوان مقدمه ترجمه متن اطلاعیه حزب، از طرف گروه مائوئیستی "مارش عظیم به سوی کمونیزم" (یکی از گروه های مائوئیستی هسپانیه) به دست نشر سپرده شده است.

قابل توجه!

کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به تاریخ ۲۵ ماه جولای اطلاعیه ای مبنی بر درگذشت رفیق عزیز، عضو اصلی کمیته مرکزی اش را انتشار داد.



بدینوسیله "مارش عظیم به سوی کمونیزم" از طریق وبلاگ خود تسلیت عمیق خویش را بخاطر از دست دادن این رفیق برجسته و انقلابی، که نمونه ای از انقلابیون کمونیست جهان بود و نام و زندگی اش فراموش ناشدنی است، ابراز میدارد.

بدین مناسبت ما، ترجمه متن اطلاعیه درگذشت رفیق عزیز را به زبان هسپانیوی جهت غم شریکی بیشتر در وبلاگ خود منتشر نمودیم.

"مارش عظیم به سوی کمونیزم"

پیام تسلیت سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م) به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بمناسبت درگذشت یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب

گرانی اندوه درگذشت رفیق عزیز عضو اصلی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را با برگیری، دفاع از و به کار بستن حقیقت عام مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم در واقعیت مشخص کشور خویش، با ارجگذاری و بکار بست اندیشه راهنمای صدر اکرم یاری، به نیروی مبارزاتی مبدل کنید!

خبر روانگاه درگذشت رفیق عزیز عضو اصلی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، ما را در حزن و اندوهی به سنگینی کوه هیمالیا فرو برده است. با اینهمه، بررسی و مطالعه کارنامه مبارزاتی آن رفیق، و یادکرد آموزنده از خاطرات مبارزاتی وی، مددگار ما است تا آنهمه اندوه را بر تافته، در راه خرائین انقلاب، بیش از پیش مصمم تر و سرزنده تر، روانه شویم.

درگذشت این رفیق گرامی را به رفقای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان، سایر مائوئیست های کشور و همه نیروهای کمونیست و مترقی گیتی تسلیت گفته، و در عزای خانواده و دوستان آن فقید شریک ایم.

بیاید با بررسی فرازها و فرودهای کارنامه مبارزاتی آن رفیق، با تمسک به اصول، به دفاع از خط سرخ رفیق شهید صدر اکرم یاری برخاسته، در برابر امپریالیسم، بورژوازی بروکرات کمپرادور و بقایای فئودالیسم ایستاده، پوزه و کثیف اپورتونیسیم، عمدتا بقایای رویزیونیسم "سه جهانی" را به خاک مالیده، از شرافت انقلاب قاطعانه دفاع کنیم. امروزه

رویزیونیست های تینگ هسیائوپنگیست که سری در آخور رویزیونیست های نیپالی نیز دارند، در صدد آن اند که از "مارکسیسم" قلابی خویش، آب در آسیاب بورژوازی بروکرات کمپرادور افکنده، و با کشیدن بار تمام انحرافات و ارتداد ورزی های دیروزین، سوار بر مرکب "رهوار" ننگ تسلیم طلبی امروزین خویش، در برابر مائوئیست های کشور صف آرای می کنند. تشریک مساعی و همچنان تشریک غم و شادی مائوئیست های کشور، از امهات مبارزه مشترک و مائوئیستی علیه مرتدان خاقان زده است. بیاید با ابراز تسلیت با رفقای مائوئیست "حزب کمونیست (مائوئیست)" افغانستان، درد مشترک خویش را فریاد کنیم. باشد که این درد مشترک در پراستیک مشترک مبارزه علیه اپورتونیسیم-که بدون مبارزه علیه آن، مبارزه علیه امپریالیسم امکان پذیر نیست- متبلور و متجلی گردد.

راه رفیق عزیز ادامه دارد!

خط سرخ اکرم یاری، ضامن پیروزی ما است!

با درفش سرخ مارکسیسم-لنینیسم-

مائوئیسم به پیش!

سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست-لنینیست)

عمدتا مائوئیست، عمدتا مائوئیست

ششم اسد ۱۳۹۳ خورشیدی

سند ذیل (اعلام گسست از ساما)، اعلامیه ای بود که رفیق عزیز در اواخر تابستان سال ۱۳۷۰ (پانزدهم سنبله ۱۳۷۰) پس از گسست از "ساما" و پیوستن به حزب کمونیست افغانستان شخصاً مسئولیت انتشار آن را بر عهده گرفت و در میان روابط "ساما" در محل بود و باشش پخش کرد. پاورقی ها این بار و از طرف ما علاوه گردیده است تا نکات معین قابل توضیح برای خوانندگان شعله جاوید، گنگ نماند.

اعلام گسست از "ساما"

افراد شرکت کننده در جلسه اقدام فردی ویرا رد نمودند و همگی در مورد انتشار اعلامیه انشعاب بنام بخش غرجستان "ساما" موافقت نشان دادند و در نتیجه متن اعلامیه بنا به توافق عمومی تهیه گردید. (۲)

هنوز اعلامیه بخش غرجستان "ساما" (اعلامیه انشعاب) وسیعاً پخش نشده بود که چهار نفر از شرکت کنندگان جلسه فوق الذکر - به شمول خودم - بنا به دلایل مختلف و منجمله بعلت متأثر شدن از تبلیغاتی که علیه نویسنده اعلامیه بخش غرجستان از طرف افراد وابسته به "رهبر" و رفقاییش دامن زده شده بود، در قبال قضایای مطروحه موضع "تحقیقی" گرفتیم. نکته اصلی در تبلیغات آنها این بود که فرد مذکور نسبت به مبارزه انقلابی بی باور شده و قصد دارد به امریکا فرار نماید. (۳)

من بر اساس این باور که انشعاب فقط روپوشی برای فرار از مبارزه انقلابی است، دوسیه و اسناد کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی را که معه اسناد دیگری نزد من به امانت گذاشته بودند، مخفیانه از مسئول آن کمیسیون در اختیار گرفتم. "مسئولیت" این کار قبلاً از جانب "رهبر" و رفقاییش برعهده فرد دیگری گذاشته شده بود، اما وی قادر نگردیده بود "مسئولیت" خود را اجرا نماید. (۴) موضوع خارج ساختن اسناد کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی از دست مسئول کمیسیون مذکور همان موقع به اطلاع چند نفر

انشعاب خزان سال ۱۳۶۴ در "ساما" حادثه ای بود که رویداد های مثبت و منفی زیادی را بدنبال خود داشت. صرفنظر از اینکه در جریان تصادمات بعد از انشعاب هر یک از دو طرف قضیه تا چه حد از لحاظ شخصی و شیوه برخورد میتواند مورد انتقاد باشد، (۱) سیر مبارزات در طول چند سال گذشته عملاً و نظراً نشان داد که از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی مواضع کدام طرف درست و اصولی و مواضع کدام طرف اپورتونیستی و غیر اصولی بوده و هست.

اکنون که نتیجه گیری هایم از مسایل متذکره تکمیل گردیده و به وسیله این نوشته خارج شدنم را از "ساما" اعلام می نمایم، لازم می دانم به علت موقعیت خاصی که در جریان انشعاب مذکور و حوادث بعد از آن داشته ام کم و بیش به شرح وقایع مربوطه پرداخته و دلایل خارج شدنم را از "ساما" مختصراً توضیح نمایم.

جلسه ای که "اعلامیه بخش غرجستان ساما" (اعلامیه انشعاب) را ترتیب و تنظیم نمود مجموعاً از هشت نفر تشکیل شده بود که هفت نفر در جلسه حاضر بودند و یک نفر در غیاب نمایندگی گردید. درین جلسه فردی که عضو کمیته مرکزی "ساما" بود و جلسه را دعوت نموده بود اعلام کرد که دیگر حاضر به پیشبرد فعالیت های سیاسی - تشکیلاتی مشترک با "رهبر" و رفقاییش نیست و در هر حالتی ولو اینکه به تنهایی نیز باشد مواضعش را درینمورد کتباً اعلام خواهد کرد. اما سایر

از مخالفین انشعاب و بویژه شخص "رهبر" رسانده شد. "رهبر" درین مورد دو دستور مشخص صادر کرد. یکی اینکه اسناد کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی را نزد خودم نگه دارم تا وی خودش مدتی بعد آنها را تسلیم شود و دیگر اینکه موضوع مصادره پنهانی آنها کاملاً مخفی نگه داشته شود.

جلساتیکه من و سایر افراد دارای موضع "تحقیقی" با "رهبر" و رفقاییش داشتیم عملاً و نظراً به جلسات موضعگیری علیه انشعاب و موافقت با مخالفین آن مبدل گردید. پنج تن از افراد غرجستانی "ساما" - به شمول خودم - در جلسه کادرها و فعالین "ساما" شرکت کردند و اعلامیه این جلسه را مبنی بر خیانت خواندن انشعاب و خائن خواندن نویسنده اعلامیه انشعاب یکجا با دیگران مورد تأیید و تصدیق قرار دادند. (۵) اما اعلامیه ایکه بنام واحد تشکیلاتی غرجستان "ساما" به عنوان اولین اعلامیه علیه انشعاب منتشر گردید در اصل توسط فردی نوشته شده بود که در آن مقطع اصلاً مربوط به این واحد تشکیلاتی نبود و در حقیقت هیچ یک از افراد مربوط به بخش غرجستان در تهیه این اعلامیه ذیدخل نبودند. (۶) این اعلامیه با وجودیکه در اصل مورد تأیید افراد دارای موضع تحقیقی در بخش غرجستان واقع شد، اما نکات معین و مشخصی از متن آن و برعلاوه نحوه تهیه و انتشارش از طرف من و فرد دیگری مورد انتقاد قرار گرفت. (۷) ما تقاضا کردیم که این اعلامیه نباید بصورت فعلی اش منتشر شود، اما موقعیکه این تقاضا به عمل آمد کار از کار گذشته بود و اعلامیه مذکور بدون اطلاع ما پخش گردیده بود.

یکی از نکات قابل مکتب در اعلامیه های صادره علیه انشعاب این بود که علیرغم اطلاع "رهبر" و بعضی از رفقاییش در مورد چگونگی وضعیت اسناد کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی، مطلب مطرح شده در اولین اعلامیه مسئول آن کمیسیون در مورد اسناد مذکور واضحاً مورد انکار قرار گرفت. هدف ازین کار

چنانچه بعد ها معلوم گردید تنها مردود اعلام کردن اتهام وارده بر خود نبود، بلکه مهم تر از آن خاک اندازی کامل روی قضیه تسلیم طلبی در "ساما" بود.

در جلساتیکه افراد دارای موضع تحقیقی از بخش غرجستان با "رهبر" و رفقاییش داشتند، آنها وعده دادند که بزودی کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی را باز سازی خواهند کرد تا نتایج تحقیقات آن تا بهار سال آینده (بهار سال ۱۳۶۵) به سویه جنبش نشر و پخش گردد. درین جلسات "رهبر" مفصلاً در مورد تئوری سه جهان به بحث پرداخت و گویا علیه آن موضعگیری نمود. اما داشتن روابط حسنه سیاسی با چینی ها را بنا به دلایل معین سیاسی موجه جلوه داد.

نکته قابل تذکری که در مورد حادثه بوجود آوردن تعقیبات پولیسی برای نویسنده اعلامیه بخش غرجستان و اعضای فامیلش وجود دارد این است که "رهبر" و رفقاییش این کار را یک امتحان عملی آشکار در مورد ایجاد کننده حادثه مبنی بر مخالفت وی علیه انشعاب می دانستند. اما پس از آنکه حادثه بوقوع پیوست و یکی از اعضای فامیل نویسنده اعلامیه بخش غرجستان توسط پولیس کشور خارجی دستگیر شد، مسئول منتصب شده "رهبر" در واحد تشکیلاتی غرجستان ساما نسبت به عواقب قضیه دچار اضطراب گردید. (۸)

برخورد ها و تصادمات بعد از انشعاب میان موافقین و مخالفین بعدی اعلامیه بخش غرجستان تا حدودی نتیجه شیوه های برخورد نادرست دو طرف متذکره در واحد تشکیلاتی مذکور بود. (۹) اما تحریکات لومپنانه و حتی ضد انسانی گماشتگان "رهبر" و رفقاییش جو برخورد و تصادم را به شدت تقویت نمود. (۱۰) علو تا حرکات تفرقه افکنانه و استفاده جویانه یکی از نیروهای شامل در جبهه متحد ملی که به علت سیاست های انحلال طلبانه "ساما" کاملاً در میان روابط بخش غرجستان داخل شده بود، نیز نقش معینی را در جهت تقویت جو تصادم و برخورد بازی نمود. (۱۱)

علیرغم اینکه من و افراد دیگری در بخش غرجستان پس از مدتی بر نادرستی مواضع سیاسی مان در مخالفت علیه انشعاب پی بردیم، اما فکر می کردیم که بعلت بروز درگیریها و کشمکش های بعد از انشعاب راه برگشت بطرف کسانی که در موضع دفاع از اعلامیه بخش غرجستان باقی ماندند و پیش رفتند، کاملاً بسته و مسدود است. بدین جهت با وجودیکه هیچگونه دلگرمی ای در مورد "ساما" وجود نداشت ارتباطات کجدار و مریز ما با آن سازمان مدتها دوام نمود. سوء ظن و برداشت ذهنی من آنچنان نیرومند بود که حتی بعد از تأمین مجدد تماس با مدافعین انشعاب در سال ۱۳۶۶ که دیگر در چوکات "هسته انقلابی کمونیست های افغانستان" فعالیت میکردند، نیز برای مدتها دوام آورد.

فقط پس از آنکه سیر مبارزات چندین ساله، ورشکستگی ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی "ساما" را کاملاً روشن ساخت، روابط باقیمانده بخش غرجستان را بصورت مکمل از هم پاشاند و بخشی از نیروهایش را بدامان کثیف سازمان "رهائی" انداخت و از طرف دیگر شگوفائی روز افزون و پیشرفت مداوم و پیگیر مدافعین انشعاب از "ساما" در همراهی با سایر افراد و دسته های انقلابی کمونیست به روشنی مبرهن شد، دیواره های ضخیم سوء ظن هایم به فروریختن آغاز کردند. (۱۲)

از جانب دیگر برخلاف برداشتهایی که من داشتم در مجموع برخورد های رفقای هسته انقلابی کمونیست های افغانستان و بعداً سازمان کمونیست های انقلابی با من پس از تأمین تماس مجدد با ایشان حوصله مندانه، توأم با سعی صدر و مبتنی بر پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی اصولی پیش رفت.

اینک که پس از مدتها دودلی در مورد بریدنم از "ساما" به مواضع و تصمیم قاطعی درینمورد دست یافته ام دلایل خارج شدنم را ازین سازمان بصورت خلاصه تذکر می دهم:

۱ - "ساما" تمامی جر و بحث های مفصل و مداوم بخش غرجستان، هسته انقلابی کمونیست ها و سازمان کمونیست های انقلابی به شمول "نامه به وطندار محترم" را در مورد مواضع ایدئولوژیک - سیاسی خود بیجواب گذاشته و حتی در قالب چند سطر مختصر نیز به جر و بحث درین مورد نپرداخته است. این سکوت ممتد و پایدار و طفره روی کامل از مباحثات هیچ دلیل دیگری ندارد جز اینکه مواضع ایدئولوژیک - سیاسی "ساما" در یک مباحثه صریح علمی قابل دفاع نیستند. من بنوبه خود هیچ دلیلی نمی بینم که تمامی انتقادات وارده بر "ساما" از سوی بخش غرجستان، هسته انقلابی کمونیست ها و سازمان کمونیست های انقلابی را مورد تأیید قرار ندهم. در طول دو سه سال گذشته من بارها تقاضا کردم که مسئولین "ساما" به پرسشها و انتقاداتم پاسخ گویند، اما آنها هرگز حاضر نشدند حتی یک جلسه بحثی ایدئولوژیک - سیاسی با من داشته باشند. این امر نیز نشاندهنده درستی مواضعم درینمورد میباشد.

۲ - وعده "ساما" در مورد بازسازی کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی بعد از انشعاب بخش غرجستان نه تنها جامه عمل نپوشید، بلکه روی قضیه تسلیم طلبی کاملاً خاک انداخته شد و از لحاظ تشکیلاتی موقعیت های مهمی در "ساما" بصورت کاملاً آشکاری در اختیار تسلیم طلبان معروف قرار گرفت. تلاش بخاطر بالا بردن پرستیژ افراد تسلیم طلب آنچنان پیش رفت که مثلاً وسایل دست داشته طباعتی بخش غرجستان را "پیکار" (امضاء کننده پروتوکول تسلیمی به دولت مزدور) از سوی رهبری "ساما" در اختیار گرفت. شاید به همین سبب "رهبر" نتوانست بعد ها از من مطالبه نماید که اسناد کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی را در اختیارش قرار دهم. قسمتی از این اسناد را سه سال قبل نویسنده "اعلامیه واحد تشکیلاتی غرجستان ساما" (یکی از اعلامیه های ضد انشعاب) که یکی از مفرورین در غرب است به بهانه مطالعه از من گرفت و دوباره مسترد نکرد. اما قسمت دیگر این اسناد تا همین

اواخر نژدم باقی ماند و سرانجام تصمیم گرفتم آنرا در اختیار کسانی قرار دهم که به علت اقدام من برای مدت چند سال بی جهت از دسترس شان خارج ساخته شده بود. (۱۳)

۳- روابط نزدیکی که فعلا "ساما" با سازمان رویزیونیستی "رهائی" برقرار کرده و در واقع به دنبالچه حقیر آن مبدل گردیده است خود به گویا ترین شکلی نشان میدهد که "ساما" علیه رویزیونیست های چینی و مزدوران وطنی آنها مخالفتی ندارد. موضع گیری های "رهبر" و رفقاییش علیه آنها فریب و نیرنگی بیش نبوده و نمی باشد. (۱۴)

۴- "ساما" در حقیقت فعلا یک سازمان فاقد برنامه است. برنامه تصویب شده در کنگره اول "ساما" دیگر کاملاً کهنه شده است، اما حتی بر مبنای شرایط زمان تدوین و تصویب آن نیز انتقادات اصولی بیشماری بر متن آن وارد میباشد. در چنین حالتی حتی اعضای کمیته مرکزی "ساما" بصورت کاملاً آشکاری بیان مینمایند که قادر نیستند برنامه جدیدی برای "ساما" تدوین نمایند. (۱۵)

۵- "ساما" مدافعین انشعاب را به فرار طلبی و داشتن قصد گریز به اروپا و امریکا متهم مینمود. ولی آنچه در ظرف چند سال گذشته عملاً بوقوع پیوسته است موج فرار طلبی و گریز روابط و کادرها و حتی اعضای کمیته مرکزی "ساما" به کشورهای غربی می باشد. مبلغین آتشین و پروپاقرص فرار طلبی نویسنده اعلامیه بخش غرچستان هم اکنون خود در دیار غرب بسر می برند و لابد با برخورداری از زندگی مرفه و فاقد خطرات امنیتی و بارها کردن دیگران در میدان، به فراغ خاطر و انبساط دماغی مورد خواست شان دست یافته اند. (۱۶)

پاورقی ها:

۶- مدافعین انشعاب نه به غرب فرار کردند و نه میدان مبارزه را ترک گفتند. برعکس، این رفقا مواضع شانرا در جهت اصولیت انقلابی بطور روز افزونی مستحکمتر و عمیقتر نمودند و یکجا با کمونیست های انقلابی دیگری هسته انقلابی کمونیست ها را پی ریزی کردند و مبارزات آنرا پیش بردند. پس از آن توانستند با "املا" بخش مائوتسه دون اندیشه به وحدت برسند و با انتشار سند معتبر، وزین و پیشرو، یعنی اعلام مواضع سازمان کمونیست های انقلابی، موجودیت آن سازمان را اعلام نمایند. اکنون این رفقا دوشادوش سایر انقلابیون کمونیست در جهت اعلام موجودیت و ساختمان حزب کمونیست افغانستان گام بر می دارند. (۱۷)

امیدوارم نیرو و توانم را در سنگر های مبارزاتی حزب کمونیست افغانستان بخاطر خدمت به انقلاب کشور و انقلاب جهانی بکار اندازم و این توفیق را بدست آورم که دوشادوش کمونیست های انقلابی دیگری سرباز فداکار جنگ خلق باشم.

زنده باد انقلاب!

زنده با کمونیزم!

از طرف

سابقاً یکی از کادرهای بخش غرچستان "ساما"

پانزدهم سنبله ۱۳۷۰

۱- رفیق عزیز در جریان کشمکش های بعد از انشعاب خزان سال ۱۳۶۴، میان مخالفین و موافقین انشعاب، نقش فعال نداشت و فعالانه با هیچ طرف نایستاد. کسی که این کشمکش ها را در مجموع و مشخصاً غارت خانه تیمی

سازمانی در شهر کویت، چپاول اموال خانه نویسنده اعلامیه انشعاب بخش غرjestان و مسئول کمیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی در کمپ و بسیج کمپ نشینان مربوط به احزاب جهادی بالای وی را رهبری کرد، رفیق عزیز نبود، بلکه نویسنده اعلامیه واحد تشکیلاتی غرjestان ساما بود.

برعلاوه این کشمکش ها در مجموع تا سطح برخوردهای فیزیکی از قبیل لت و کوب کسی و یا برخورد های گرم مسلحانه بالا نرفت.

۲ -- بدین ترتیب اعلامیه انشعاب (اعلامیه بخش غرjestان "ساما") نه به عنوان یک اعلامیه شخصی، مثل همین اعلامیه شخصی رفیق عزیز، بلکه به عنوان اعلامیه جمعی و در یک جلسه ۸ نفره از مسئولین بخش غرjestان تهیه و منتشر گردید. اما اعلامیه های بعدی رهبر و رفقای عمداً انتشار آن اعلامیه را یک اقدام فردی و شخصی جلوه داد تا گویا جلو تاثیرات ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی آن را بگیرند یا حد اقل تاثیرات مذکور را تخفیف دهند.

۳ -- تبلیغات در مورد قصد فرار نویسنده اعلامیه انشعاب (اعلامیه بخش غرjestان) به امریکا نیز در اصل توسط نویسنده اعلامیه، واحد تشکیلاتی غرjestان ساما دامن زده شد. او که یکی از اعضای هیئت ۱۱ نفره تحت رهبری مسئول آن وقت تشکیلات "ساما" به چین در سال ۱۳۶۴ بود، بعد از برگشت از سفر در صحبت های خصوصی دم از موضعگیری علیه رویزونیست های چینی می زد. اما بعد، پس از یک صحبت نسبتاً طولانی با رهبر سکوت اختیار کرد، بدون اینکه به کسی توضیح دهد که این سکوتش ناشی از اقناعی است که بعد از صحبت رهبر با وی حاصل شده است یا برعکس ناشی از تطمیع و یا تخویف توسط وی است؟ در هر حال چند سال بعد از انشعاب بخش غرjestان از "ساما"، او خود عازم امریکا شد و اکنون سال ها است که در آن دیار بسر می برد. چند سال قبل از یکی از روابط سابق بخش غرjestان "ساما" شنیدیم که او قصد دارد با امریکایی ها به افغانستان بیاید، اما می ترسد که کسی او را "شاه شجاع" بگوید. تا جایی که ما اطلاع داریم، او نتوانست لقب "شاه شجاع" را کمایی کند.

۴ -- در اعلامیه کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی گفته شده بود که اسناد کمیسیون توسط گماشته خاص رهبر به سرقت برده شده است. نادرستی این برداشت در مورد عامل اجرایی این حرکت، فقط پس از تصمیم گیری قاطع رفیق عزیز مبنی بر گسست از "ساما" یعنی شش سال بعد، روشن گردید. ولی از لحاظ سیاسی، همان گونه که در اعلامیه حاضر نیز درج گردیده، مسئولیت این کار در اساس بر عهده رهبر و رفقای بوده است و نه این یا آن شخص.

۵ -- افراد به اصطلاح دارای "موضع تحقیقی" از بخش غرjestان در اصل ۴ نفر بودند. به این افراد از همان ابتدای عقب کشیدن شان از انشعاب گفته شده بود که آنها قادر نخواهند بود تحقیقی انجام دهند، بلکه فقط می توانند به دنباله روی از رهبر و رفقای در مخالفت با انشعاب قرار بگیرند و مورد استفاده سوء واقع شوند. جریان عمل این موضوع را ثابت ساخت. فرد پنجم از روابط بخش غرjestان در جلسه فعالین و کادرهای "ساما" (زیبر)، یکی دیگر از افراد شامل در گروه ۱۱ نفری اعزامی به چین تحت رهبری مسئول تشکیلات "ساما" بود. این فرد سابقه عضویت در "سازمان رهایی" داشت و یکی از مسئولین "کمیته جوانان وحدت طلب..." بود. این کمیته بعد از جدا شدن از سازمان رهایی در زمستان سال ۱۳۶۰ به "ساما" پیوسته بود.

۶ -- اعلامیه نویس در موقع نوشتن اعلامیه اش به پشاور انتقال یافته بود و هیچ رابطه ای از لحاظ تشکیلاتی با

بخش غرجستان یا واحد تشکیلاتی غرجستان ساما نداشت و بر علاوه در نوشتن این اعلامیه نه تنها با هیچ یک از افراد مربوط به واحد تشکیلاتی غرجستان مشورت نشده بود، بلکه با هیچ فرد دیگری از سامایی ها نیز مشورت نشده بود.

۷ --- نکات معین قابل انتقاد در اعلامیه مورد نظر، مسایل مربوط به حملات شخصی علیه نویسنده اعلامیه انشعاب و اتهاماتی از قبیل اسلحه فروشی و سوء استفاده های مالی توسط وی و غیره را در بر می گرفته است و نه مسایل ایدئولوژیک- سیاسی را. بر علاوه آنها انتقاد داشته اند که نویسنده اعلامیه حق نداشته است بدون اطلاع روابط بخش غرجستان بنام آنها اعلامیه صادر نماید.

۸ -- این فرد یکی از مسئولین بخش غرجستان بود. وی نیز دارای سابقه عضویت در سازمان رهایی و یکی از مسئولین کمیته جوانان وحدت طلب بود. بر علاوه وی یکی از نمایندگان بخش غرجستان در کنفرانس سرتاسری "ساما" و بعد از آن یکی از اعضای کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی بود. این شخص همراه با "زبیر" بعد از آگاه شدن از قصد نویسنده اعلامیه بخش غرجستان مبنی بر انشعاب از "ساما" با وی همنوایی کردند، اما می خواستند در فعالیت های بعد از انشعاب، نمایندگی تمامی روابط ولسوالی شان به آنها واگذار گردد که مورد قبول قرار نگرفت. بعد از آن هر دو فرد متذکره در پهلوی رهبر و رفقاییش قرار گرفتند.

فرد مورد نظر، دو روز بعد از کشمکش های درون کمپ مهاجرین میان طرفداران قیوم رهبر و طرفداران اعلامیه انشعاب و خارج شدن انشعابیون از کمپ، به یکی از حوزه های پولیس کویته عارض شده و ادعا کرده بود که حسین (نویسنده اعلامیه بخش غرجستان ساما) و یکی از برادرانش در یک منطقه بیرون از شهر کویته، بالای وی تفنگچه کشی کرده و مبلغ ۳۰۰۰۰ روپیه پول او را از وی به زور گرفته اند. در نتیجه یکی از افراد انشعابی توسط پرسونل آن حوزه دستگیر می گردد و مدت ۲۴ ساعت در حوزه زندانی باقی می ماند. انجمن قومی و ریش سفیدان قومی درینمورد مداخله می کنند و او را آزاد می کنند. در واقع همین توطئه باعث می گردد که انشعابیون بطور کلی به سرعت از شهر کویته خارج شوند. حسین خود را به پندی و اسلام آباد انتقال می دهد و سایر افراد انشعابی به ایران و یا داخل کشور می روند.

در سال ۱۳۶۵ وقتی فرد مورد نظر متوجه می شود که یکی از برادران مسئول کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی، که فرد غیر مربوط به ساما بود، در شهر کویته است، بازهم به همان حوزه قبله پولیس کویته مراجعه کرده و او را در ارتباط به عریضه قبله اش، به آن حوزه معرفی می نماید. او نیز دستگیر می گردد، ولی پس از چند ساعت توقیف موفق به فرار می گردد و از کویته خارج می شود. این فرد نیز بعدها متوجه می شود که در مسیر انحرافی حرکت می نماید و چون دیگر نمی تواند به "هسته انقلابی کمونیست های افغانستان" مراجعه نماید، در تشکیل "محفل جوانان مترقی" سهم می گیرد و مدتی بعد به کانادا می رود.

تا جایی که ما معلومات داریم وی پس از جابجایی در کانادا رابطه اش را با محفل جوانان مترقی قطع می نماید. بنا به بعضی معلومات غیر دقیق، وی در طی چند سال گذشته، برای یک و نیم یا دو سال در میدان هوایی قندهار بحیث مترجم با قوای اشغالگر کانادایی مستقر در آن میدان هوایی، کار کرده است.

۹ و ۱۰ -- یقیناً « برخورد ها و تصادمات [که بهتر است کشمکش ها گفته شود] بعد از انشعاب میان موافقین و

مخالفین بعدی اعلامیه بخش غرjestان تا حدودی نتیجه شیوه های برخورد نادرست دو طرف متذکره در واحد تشکیلاتی مذکور بود « و برعلاوه «... تحریکات لومپنانه و حتی ضد انسانی گماشتگان "رهبر" و رفقاییش جو برخورد و تصادم [یا به بیان بهتر کشمکش] را به شدت تقویت نمود. «، اما هیچکدام از این مسایل، عامل اساسی کشمکش های بعد از انشعاب نبود.

عامل اساسی آن کشمکش ها، موضعگیری های نادرست رهبر و رفقاییش علیه انشعاب بخش غرjestان از "ساما" بود. انشعاب بخش غرjestان از "ساما" یک انشعاب کمونیستی بود و در مخالفت اساسی با خط "ساما"، در کلیت ایدئولوژیک - سیاسی آن قرار داشت. اما از آنجاییکه رهبر و رفقاییش نمی توانستند بطور مشخص و روشن علیه این حرکت کمونیستی قرار بگیرند و آن را از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی رد نمایند، به تیوری توطئه پناه بردند و آن حرکت را نتیجه یک خیانت اعلام کردند و نویسندۀ اعلامیۀ انشعاب را نیز سزاوار مجازات. به این ترتیب در واقع دستور تمامی تحریکات لومپنانه و حتی ضد انسانی گماشتگان رهبر و رفقاییش، علیه انشعابیون، در اعلامیه های سه گانه رهبر و رفقاییش بطور صریح و روشن درج گردیده بود. حتی بالاتر از آن، وظیفه ای که به گماشتگان مذکور داده شده بود خیلی بیشتر از آن تحریکاتی بود که آنها عملاً انجام دادند.

۱۱ -- منظور از نیروی متذکره، "گروه توحیدی قیام مستضعفین" است که تحت رهبری قسیم اخگر قرار داشت. قسیم اخگر و ماشاءالله افتخاری بعد از آن به "جبهۀ متحد ملی" پیوستند که رهبری سازمان نصر در ایران بنا به مخالفت آنها با جمهوری اسلامی ایران آنها را از سازمان مذکور اخراج نموده بود. آنها در واقع بعد از اخراج از سازمان نصر از ایران گریخته بودند و وقتی به کوئته رسیدند، در آنجا نیز توسط افراد سازمان نصر تحت تعقیب قرار گرفتند. مرکز تشکیلات بخش غرjestان ساما در کوئته قرار داشت. افراد بخش غرjestان ساما از هر دو فرد متذکره حمایت نمود و از آنها محافظت کرد. در صحبت های بعدی، ماشاءالله افتخاری در حد یک همکار با جبهۀ متحد ملی قرار گرفت، ولی قسیم اخگر به جبهه پیوست و در پیوند نزدیک با سامایی ها قرار گرفت. در واقع در جریان همین پیوند و حمایت از وی بود که او قادر شد "گروه توحیدی قیام مستضعفین" را تشکیل دهد. اما ماشاءالله افتخاری برای مدت زمان کوتاهی در کوئته ماند و سپس علیرغم مخالفت سامایی ها و قسیم اخگر عازم داخل گردید و در بامیان مورد سوء قصد قرار گرفت و جان باخت. قسیم اخگر در کمپ مهاجرین موفق به تشکیل "گروه توحیدی قیام مستضعفین" و انتشار نشریۀ آن گردید.

در مورد اینکه قسیم اخگر و "گروه توحیدی قیام مستضعفین" در جریان حوادث بعد از انشعاب دست به تفرقه افگنی در میان سامایی ها زده باشد، فقط می توان شک داشت اما نمی توان بطور قطع صحبت کرد. ولی استفاده جوئی، بصورت تلاش برای جلب و جذب بعضی از روابط ساما، توسط وی صورت گرفت و در مواردی موفق نیز بود. "گروه توحیدی قیام مستضعفین" بعد ها در همکاری با "حزب کمونیست افغانستان" و "اتحاد راه زحمتکش" بخاطر تشکیل یک جبهۀ مبارزاتی مشترک ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی قرار گرفت. این تلاش به دلیل منحل شدن "اتحاد راه زحمتکش" و آنهم بخاطر انتقال مسئول آن گروه به اروپا، در نیمۀ راه متوقف گردید. فرد مذکور در اروپا در خط حزب کمونیست کارگری ایران افتاد.

اما "گروه توحیدی قیام مستضعفین" در جریان تلاش بخاطر تشکیل کنگرۀ سازمانی مدتی بعد به داخل کشور انتقال یافت، اما چون نتوانست چنین کنگره ای تشکیل دهد، رو به انحلال رفت و پس از مدتی از هم پاشید.

۱۲ -- اکثریت افراد یک واحد محلی بخش غرjestان "ساما" که در جریان انشعاب در پهلوی رهبر و رفقاییش قرار گرفت، مدتی بعد از انشعاب بصورت مکمل به سازمان رهایی جذب گردیدند. اما احتمالاً دو سال بعد، کسانی که آنها را به سازمان رهایی جذب کرده بودند، یکجا با آنها از سازمان مذکور انشعاب کردند و "اتحاد راه زحمتکش" را تشکیل دادند. پس از فروپاشی اتحاد راه زحمتکش، تعداد زیادی از آنها بطرف کشورهای غربی و احتمالاً استرالیا رفتند و واحد مذکور فروپاشید. اما کماکان این احتمال وجود دارد که یکی دو نفر از آنها همچنان با سامائی ها در ارتباط باشند.

۱۳ -- بحث های کنفرانس سرتاسری "ساما" در مورد تسلیم طلبی که مدت تقریباً یک هفته دوام نمود، بصورت تحریری ثبت شده بود. این سند از میان مجموع اسناد کمیسیون توسط "شاه جی" از رفیق عزیز گرفته شده و به احتمال قریب به یقین به رهبر و رفقاییش تسلیم داده شده است. اما بقیه اسناد کمیسیون مذکور را رفیق عزیز بعد از گسست از "ساما" در اختیار مسئول کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی قرار داد. یک بخش از اسناد مذکور قبلاً انتشار یافته است. امیدواریم بخش های انتشار نیافته اسناد مذکور را بخاطر روشن شدن هرچه بیشتر قضایای مربوط به تسلیم طلبی در "ساما" نیز بتوانیم هرچه زود تر انتشار دهیم.

۱۴ -- قیوم رهبر تیوری سه جهان را به عنوان استراتژی بین المللی پرولتاریای افغانستان قبول داشت، اما نه به عنوان استراتژی بین المللی پرولتاریای جهان. اسناد مربوط به این بحث را بعداً منتشر خواهیم کرد.

۱۵ - "ساما" هنوز هم یک سازمان فاقد برنامه است و بدتر اینکه سامائی ها به فکر رفع این بی برنامه گی سازمانی نیز نیستند.

۱۶ - آنها رهبران و مسئولین ساما بودند. بنابراین نباید خودشان به کشورهای غربی می رفتند و روابط شان را در میدان رها می کردند تا دستوری و یا غیر دستوری به کام غند سنگین بیفتند، ۳۱ نفر شان در راه برقراری روابط با دوستم توسط احمدشاه مسعود بکام مرگ بروند، مسئول ساما در کابل رابط مذاکراتی احمدشاه مسعود و مزاری گردد و عاقبت سامایی ها در دوران اشغال و حاکمیت رژیم پوشالی احزاب راجستر شده قانونی تشکیل دهند. و "رهبران" خارجه نشین هم از یکطرف با افتخار و سربلندی در مسیر استفاده از مزایای "دموکراسی امریکایی" بیفتند و مصارف دفاتر احزاب قانونی در کابل و سایر شهرهای کشور را تهیه نمایند، از طرف دیگر سازمان نام نهاد م- ل تشکیل دهند و برای آن تاریخ جعل کنند و از طرف دیگر هم روی تمامی تسلیم طلبی ها و تسلیمی های گذشته شان خاک بیندازند.

۱۷ - کنگره حزب کمونیست افغانستان در ماه ثور ۱۳۷۰ (ماه می ۱۹۹۱) دایر گردید، اما در کنگره قرار برین شد که اسناد کنگره در ماه میزان سال ۱۳۷۰ بیرون داده شود. به این ترتیب گسست رفیق عزیز از ساما بعد از تاسیس حزب کمونیست افغانستان صورت گرفت و او با این گسست در واقع به حزب کمونیست پیوست. اما طبق فیصله کنگره حزب کمونیست افغانستان، اعلامیه گسست رفیق عزیز از ساما نمی توانست بصورت صریح پیوستن وی به حزب را اعلام نماید.

ضمایم

ضمیمه شماره یک:

متن موافقتنامه تسلیمی نیروهای "ساما" در شمالی به دولت مزدور کابل در خزان سال ۱۳۶۰ *

- این موافقتنامه بغرض تشدید مبارزه و هماهنگ ساختن سعی و تلاش برعلیه ارتجاع سیاه در نقاط مختلف افغانستان و ختم خونریزی در سرزمین جمهوریت دیموکراتیک افغانستان امضاء میگردد.
- بمقاصد آتی طرفین به موافقه میرسند:
- مکلفیت سازمان:
- ۱ - بعد از امضاء موافقتنامه قطع تمام فعالیت های مسلحانه نیروهای سازمان برعلیه قوای مسلح - خاندنوی - خاد و غیره اشخاص و مؤسسات در سطح شمالی .
 - ۲ - سهمگیری اکتیف تبلیغات بر علیه امپریالیزم امریکا و افشاء چهره کثیف هژمونیستهای چین این متحدین امپریالیزم جهانی، رژیم نظامیگر پاکستان و سایر کشورهای ارتجاعی بصورت شفاهی و تحریری.
 - ۳ - تعریف وضع جیش نیروهای سازمان - ارائه شهرت مکمل اعضای سازمان، تعداد آنها - قوماندانان شان و راجستر سلاح داشته.
 - ۴ - پذیرش نمایندگان دولتی در داخل گروپ ها. تعداد نفر جهت دخول در گروپ ها از طرف دولت تنظیم می گردد.
 - ۵ - انجام فعالیت مسلحانه برعلیه عناصر سیاسی
- دشمنان مشترک ما با مساعی مشترک خاد - خاندنوی - قوای مسلح.
- ۶ - عملیات جداگانه سازمان مطابق پلان قوای مسلح صورت میگیرد.
- ۷ - ماده مذکور ندارد .
- ۸ - فعال ساختن ارگانهای محلی دولتی در آن عده علاقه داری ها و ولسوالی ها که تحت تاثیر سازمان قرار دارد حتمی است و تامین امنیت نیز بدوش نیروهای سازمان است. اعضای سازمان میتوانند در این ادارات مطابق احکام قانون استخدام گردیده و اجراء وظیفه نمایند.
- ۹ - تامین امنیت شاهراه ها در مناطقی که سازمان تاثیر دارد بدوش نیروهای سازمان است.
- ۱۰ - نیروهای سازمان مکلف به تعمیل همه قوانین و فرامین دولت می باشند.
- ۱۱ - طبق احکام قانون دولت میتوانند برندگی صلح آمیز آغاز نموده و در چوکات اداری دولتی استخدام گردند.
- ۱۲ - در صورت تخلف از این موافقتنامه و یا ارتکاب اعمال خلاف امن و نظم عامه با متخالفین و خائنین مطابق احکام قانون و اصول انقلابی معامله صورت میگیرد.
- بخاطر تطبیق این موافقتنامه و تقویه نیروهای سازمان

اداره ریاست عمومی خدمات دولتی به نمایندگی دولت افغانستان مساعدت هایی را انجام می دهد:

- ۱ - کمک نظامی برای مبارزه علیه باند گلبدین، سایر گروپ های اجیر و سیاه در مناطقی که نیروهای سازمان بصورت کتلوی وجود دارد .
- ۲ - اکمالات مهمات و در صورت لزوم سلاح آنهم در مورد بخصوص بعد از ارزیابی دقیق وضع برای اجرای عملیات موفقانه علیه دشمن مشترک و تامین امنیت محلات.
- ۳ - مساعدت های اقتصادی، مالی، برای جبهاتی ... **
- ۴ - مساعدت در حمل و نقل از یک محل به محل دیگر.
- ۵ - مساعدت در جهت رهایی آنعده زندانیان که جرایم خفیف را مرتکب شده و آنهم صرف وقتیکه خطر ارتکاب جرایم از آنها در آینده متصور نباشد. البته بعد از تطبیق موافقتنامه.
- ۶ - مساعدت لازم در جهت پیشبرد تبلیغات اکتیف علیه امپریالیزم امریکا، متحدین چینی اش و رژیم نظامیگر پاکستان و سایر نیروهای ارتجاعی .

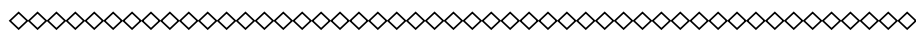
محل امضاء نماینده "ساما"

محل امضاء نماینده دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان

پاورقی:

* - این متن از روی سند اصلی موجود در نزد یکی از اعضای کمیته مرکزی "ساما" در زمستان سال ۱۳۶۰ در کابل نقل گردیده است. اصل نقل یک نوشته قلمی است . متن تایپ شده حاضر توسط ما صورت گرفته است.

* - قسمت نقطه گذاری شده در متن اصلی به دلیل فرسودگی و رطوبت زدگی کاغذ خوانده شده نتوانسته و در نقل اصلی نیز موجود نمی باشد.



ضمیمه شماره دوم:

اعلامیه ذیل در خزان سال ۱۳۶۴ در جلسه هشت نفری مسئولین بخش غرjestان به تصویب رسیده و پخش گردید.

اعلامیه

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان

بخش غرjestان*

مستحکم با جنبش کمونیستی بین المللی عملاً ناممکن گردید.

شگوفائی گذرا، موقتی و ظاهری اواخر سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰- که با وارد آمدن ضربات سختی بر سازمان توام بود - بعد از دستگیری اعضای رهبری سازمان کاملاً از میان رفت و بدنبال آن نیروهای نظامی سازمان در کوهدامن در اثر فشار دوجانبه نیروهای ارتجاعی و دولت مزدور در اواخر خزان سال شصت به دولت تسلیم گردید. این تسلیمی که تحت تاثیر حرکات تسلیم طلبانه در هرات و بدنبال آن بوقوع پیوست توسط مرکزیت سازمان رسمیت داده شد و تا سطح امضای پروتوکول همکاری با دولت از جانب نماینده مرکزیت سازمان ارتقا پیدا کرد. رابطه پروتوکولی با دولت، حرکات تسلیم طلبانه را از کوهدامن به پروان و مزار کشانید و در آن مناطق نیز عناصری به دولت تسلیم شدند.

جبهه قندز که بعد از تسلیم شدن کوهدامن به دولت مجبورگردید از منطقه خارج شود، زمستان سال ۶۰ توسط نیروهای ارتجاعی حین راه پیمائی قتل عام گردید.

در اثر سازشکاری همه جانبه مرکزیت سازمان، روابط نیروهای سازمان با دولت همچنان ادامه پیدا کرد و بالاخره زمینه قتل عام جبهه کوه صافی توسط نیروهای ارتجاعی- دولتی را بوجود آورد. سکوت مرکزیت و عدم موضعگیری علیه تسلیم طلبی و همچنان مواضع غیر کمونیستی مرکزیت سازمان، عکس العمل وسیعی در تمامی صفوف سازمان بوجود آورده و بالاخره بعد از رسمی شدن مواضع سازشکارانه و غیر مارکسیستی مرکزیت و کمیسیون تدارک کنگره در آئین نامه کنگره، رابطه بخش غرجستان با رهبری سازمان قطع گردید.

کودتای هفت ثور که با زمینه سازیهای قبلی اقتصادی، سیاسی، نظامی و... سوسیال امپریالیزم شوروی باند وطنفروش خلق و پرچم- این نمایندگان بورژوازی بوروکراتیک وابسته - را بر اریکه قدرت سیاسی نشانید مقاومت سریع و جوشان تمامی طبقات و اقشار جامعه را علیه خود برانگیخت.

کنفرانس ماه سرطان ۵۸ که اساساً بخاطر حل اختلافات ایدئولوژیک محافل سه گانه دایر شده بود تحت تاثیر خیزش عمومی مردم و بعد از ناکامی طرح کودتاگرایانه به اصطلاح قیامی در واقعه چنداول اعلامیه تشکیل سازمان را انتشار داد و در نتیجه قبل از آنکه پیش شرط های ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی ایجاد یک سازمان کمونیستی تامین گردد "ساما" اعلام موجودیت کرد.

در اثر اختلافات ایدئولوژیک، "ساما" نتوانست وحدت خود را حفظ نموده و یکی از سه محفل تشکیل دهنده سازمان بعد از دستگیری رهبر سازمان رابطه اش را با دو محفل دیگر قطع کرده و از سازمان انشعب نمود.

کنگره سازمان که توسط افراد دو محفل باقیمانده در سازمان تشکیل گردید دو مشی متناقض و متضاد را در قالب های برنامه و اعلام مواضع رسمیت بخشید. موجودیت رسمی دو مشی متناقض در سازمان باعث ایجاد کشمکش ها و اختلافات بعدی در سازمان گردیده و سازمان را تا مرز نابودی کشاند. بعد از پولینوم دوم، مشی لیبرالیستی - رویزیونیستی اعلام مواضع بر سازمان مسلط گردید و در نتیجه نه تنها ایدئولوژی زدائی در درون سازمان روز بروز گسترش می یافت بلکه زمینه تفاهم و نزدیکی با بخش های دیگر جنبش کمونیستی کشور از بین رفته و امکان ایجاد ارتباط

نماید. نشریه درونی و نشریه تئوریک تا حال بفراموشی سپرده شده و فقط ندای آزادی با دعا و بسم الله بصورت غیر منظم انتشار می یابد.

فعالیت وحدت طلبانه با جنبش کمونیستی کشور کاملاً با رکود مواجه است و سانسور شدیدی بر نشرات گروه ها و سازمان های کمونیستی کشور در درون سازمان اعمال می گردد.

در روابط خارجی تمامی زمینه های ارتباط و همکاری با جنبش کمونیستی بین المللی عامدانه تخریب می گردد و برعکس روز بروز سازمان در تاروپود ارتباطات رویزیونیستی بیشتر از پیش گیر می افتد و بدین صورت به تدریج "ساما" به یک سازمان کاملاً وابسته تبدیل می گردد.

تمامی فعالیت هائیکه مطابق به این مشی سازشکارانه و ضد مارکسیستی نباشد مورد تخریب و سبوتاژ قرار می گیرد تا آنجائیکه حتی شرکت رفقا را در جنگ ملی فعالیت های نظامی ای علیه خود تلقی می کنند.

بخاطر حفظ مصالح منطقی و حتی خانوادگی نسبت به گذشته سازمان برخورد انتقادی اصولی صورت نمی گیرد. نفاق افگنی در بین رفقای سازمان به کار هر روز و هر ساعت تبدیل گردیده و با تشکیلات غرجستان و حتی تمامی رفقای هزاره با کین توزی و بصورت کاملاً ضد دموکراتیک برخورد می نمایند.

بخش غرجستان که بخاطر حفظ وحدت سازمان در " کنفرانس سرتاسری " شرکت کرد و بعد از کنفرانس رفقای مربوط به این واحد تشکیلاتی تلاش کردند در تطبیق فیصله های کنفرانس - علیرغم کمبود ها و کاستی های زیاد این فیصله ها - صادقانه سهم

در اثر فشار صفوف سازمان و ناتوانی مرکزیت، طرح تشکیل کنگره بعد از چندین ماه صرف وقت کنار گذاشته شد و بصورت عجولانه و بدون تدارک لازمه قبلی "کنفرانس سرتاسری" دایر گردید. در کنفرانس مواضع ضد مارکسیستی لیبرال رویزیونیستها کاملاً بر ملا گردیده و منجر به استعفای نمایندگان این مشی از سازمان گردید. در مورد تسلیم طلبی فیصله هائی بعمل آمده و طرح تشکیل کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی منظور گردید.

در اثر اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی در مرکزیت سازمان بسیاری از فیصله های کنفرانس نتوانست در عمل پیاده شود. از جانب دیگر به تدریج روشن گردید که مرکزیت قبل از کنفرانس بصورت عامدانه بخصوص قضایای مربوط به تسلیم طلبی را تا آنجا که برایش ممکن بوده از نظر کنفرانس مخفی نگهداشته و صادقانه گزارش نداده اند.

برخورد ها به تدریج روشن ساخت که آنهائیکه قبل از کنفرانس لیبرال - رویزیونیستها را در یک دست و تسلیم طلبان را در دست دیگر نگه میداشتند بعد از کنفرانس همچنان نه علیه رویزیونیزم موضع قاطع دارند و نه علیه تسلیم طلبی. تلاش بخاطر ابقا و بالا کشیدن عناصر تسلیم طلب همچنان ادامه دارد و خودسرانه با افراد خائنی که ابلاغیه مرکزیت سازمان را نادیده گرفتند و در پوسته های نظامی دولتی باقیماندند دوباره ارتباط برقرار کردند. کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی تا حال چندین بار از طرف عناصر تسلیم طلب و بخصوص حامیان بزرگ شان مورد تهدید واقع شده است.

اکنون بعد از گذشت دو سال از کنفرانس سرتاسری، سازمان قادر نگردیده برنامه آموزشی اش را تنظیم

بگیرند، اکنون با توجه به مسایل مطروحه فوق اعلام میدارد که بعد از این فعالیتهای خود را مستقلانه پیش می برد.

این بخش با اعلام مبارزه قاطع، استوار، پیگیر و بی برگشت علیه سوسیال امپریالیزم شوروی، این دشمن عمده مردم ما طبقه کارگر و جنبش کمونیستی کشور، و با اعلام مبارزه قاطع علیه باند خلق و پرچم و نیروهای ذخیره سوسیال امپریالیزم، در مبارزه علیه تسلیم طلبی و عناصر خائن و تسلیم طلب بر اساس مبارزه اصولی ضد رویزیونیستی با قاطعیت حرکت می نماید.

این بخش با اعتقاد راسخ به انترناسیونالیزم پرولتری به ایجاد پیوند، همکاری و وحدت با جنبش کمونیستی بین المللی بمثابه ضرورت جدی و اساسی جنبش کمونیستی کشور نگریسته و بر ضرورت مبارزه قاطع علیه اشکال جدید رویزیونیزم و انحراف تاکید می ورزد.

این بخش بر لزوم پیوند بین جنبش کمونیستی کشور و مجموع جنبش مقاومت با مبارزات آزادیبخش ملل اسیر بر اساس مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی اعتقاد راسخ دارد.

بخش غرچستان ضرورت اساسی تشکیل حزب پیشآهنگ طبقه کارگر کشور را مسئولانه درک کرده و بر ضرورت جدی وحدت جنبش کمونیستی کشور بر اساس مبارزات سالم ایدئولوژیک و همکاری عملی تاکید

میورزد. فعال ساختن روابط با بخش های مختلف جنبش کمونیستی کشور بر اساس مبارزه سالم ایدئولوژیک و همکاری عملی برای ما بمثابه یک ضرورت جدی مطرح است.

این بخش همکاری و وحدت با نیروهای ملی و دموکرات را بر اساس مبارزات ضد سوسیال امپریالیستی - امپریالیستی و مبارزات ضد ارتجاعی بخاطر تشکیل جبهه متحد ملی صادقانه پیگیری کرده و برخورد معامله گرانه و غیر صادقانه ای را که بنام جبهه متحد ملی بصورت غیر انقلابی اعمال می گردد محکوم می نماید.

بخش غرچستان نظرات و مسایل مورد بحث خود را مسئولانه در اختیار روابط سازمان و سایر بخش های جنبش کمونیستی کشور قرار خواهد داد و از رفقا نیز برخورد مسئولانه و وحدت طلبانه را تقاضا دارد.

مرگ بر سوسیال امپریالیزم شوروی!

مرگ بر باند خلق و پرچم!

مرگ بر تسلیم طلبان!

مرگ بر رویزیونیزم!

* -- متن اصلی این سند با تایپ میخانیککی نوشته شده است. چون نقل اسکن شده متن مذکور بخوبی قابل تکثیر نیست، ناچار شدیم متن حاضر را به نقل از همان متن اصلی تهیه کنیم، تا هم بخوبی خوانا باشد و هم بخوبی بتواند قابل تکثیر باشد.

اعلامیه

کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی

"رهبر" توانست قسمت عمده اسناد و مدارک جمع آوری شده توسط کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم طلبی را با استفاده از غفلت مسئول کمیسیون به سرقت ببرد. مسئول کمیسیون وقتی متوجه این قضیه شد که سارق فرار کرده و محل را روز قبل ترک گفته بود (۲۹ / ۹ / ۱۳۶۴).

مسئله ایکه ضرورت به تحقیق جدی دارد و باید عمیقاً بررسی گردد این است که آیا گماشته "رهبر" این سرقت را به تنهایی انجام داده و یا اینکه درین عمل تنها نبوده است؟

علیرغم این سرقت خائنانه خود را مکلف می دانم که همچنان به کار تحقیقی خود ادامه داده و نتایج بررسی های خود را در اختیار روابط سازمان و سایر بخشهای جنبش انقلابی مردم افغانستان قرار دهیم.

مرگ بر سوسیال امپریالیزم شوروی!

مرگ بر رویزیونیزم!

مرگ بر تسلیم طلبان!

یا مرگ یا پیروزی!

مسئول کمیسیون تحقیق و بررسی تسلیم

طلبی

۱۳۶۴ / ۹ / ۳۱

از زمان تسلیم شدن نیروهای نظامی "ساما" در کوهدامن و امضای پروتوکول همکاری بین نماینده سازمان و دولت مزدور تا موقع دایر شدن "کنفرانس سرتاسری" سیاست رسمی مرکزیت عبارت بود از سکوت در مورد قضایای مربوط به تسلیم طلبی و طفره رفتن از موضعگیری رسمی و در نتیجه ادامه رسمیت پروتوکول امضاء شده. بعد از کنفرانس سرتاسری که تا حدودی علیه تسلیم طلبی موضع گرفته شد و طرح تشکیل کمیسیون تحقیق فیصله گردید، سیاست قبلی بصورت کارشکنی در مورد تشکیل کمیسیون تحقیق و بعد از تشکیل بصورت کارشکنی و تهدید در مورد پیشرفت کار کمیسیون تحقیق از جانب "رهبر" و "شرکاء" تغییر شکل داد. مضمون اصلی تمامی این تهدیدات و کارشکنی ها عبارت بود از مخفی نگهداشتن خیانت و ادامه توطئه سکوت در مورد قضایای مربوط به تسلیم طلبی. اذعان در مورد امضای پروتوکول همکاری با دولت و اعلام لغو رسمی آن از طرف سازمان، فقط بعد از تهدید مسئول این کمیسیون مبنی بر خروج از سازمان در صورت ادامه ارتباط با دولت توانست توسط اعلامیه رسمی سازمان صورت گیرد. ولی علیرغم این اعلامیه، "رهبر" و "شرکاء" دوباره بصورت مخفیانه با خائنین باقیمانده در غند دولتی "سنگین" ارتباط برقرار کردند.

به ادامه این سیاست بود که بالاخره گماشته خاص

- 7- د تسلیت پیغام د ۲۸-۳ زمري نومی صفحه ۸
- 8- پیام تسلیت هسته حزبی ۲۴ حوت صفحه ۹
- 9- پیام تسلیت "سرایدار" صفحه ۱۰
- 10- بیرق انقلاب (شعر) صفحه ۱۱
- 11- پیام تسلیت « هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در اروپا » صفحه ۱۲
- 21- پیام تسلیت دسته هشت مارچ زنان افغانستان صفحه ۱۲
- 13- پیام تسلیت هسته کارگری مبارز افغانستان صفحه ۱۳
- 14- پیام تسلیت جنبش انقلابی جوانان افغانستان صفحه ۱۴
- 15- پیام تسلیت اتحادیه پناهندگان ملی و دموکراتیک افغان های مقیم اتریش (حریت) صفحه ۱۵
- 16- پیام تسلیت اتحاد انقلابی مائوئیستی سریلانکا صفحه ۱۵
- 17- پیام تسلیت "مارش عظیم به سوی کمونیزم" - هسپانیه صفحه ۱۶
- 18- پیام تسلیت سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م) صفحه ۱۷
- 19- اعلام گسست از ساما (از دست نوشته های رفیق عزیز) صفحه ۱۸

(اعلام گسست از ساما)، اعلامیه ای بود که رفیق عزیز در اواخر تابستان سال ۱۳۷۰ (پانزدهم سنبله ۱۳۷۰) پس از گسست از "ساما" و پیوستن به حزب کمونیست افغانستان شخصاً مسئولیت انتشار آن را بر عهده گرفت و در میان روابط "ساما" در محل بودوباشش پخش کرد. پاورقی ها این بار و از طرف ما علاوه گردیده است تا نکات معین قابل توضیح برای خوانندگان شعله جاوید، گنگ نماند.